

## ***A Sociological Reading of Male Personality Types in the Novel *This Street Has No Speed Bumps* with an Enneagram Approach***

**Sara Ahmadi<sup>1\*</sup>, Abdolreza Naderifar<sup>2</sup>, Sara Hasani Nafti<sup>3</sup>**

<sup>1</sup> M.A, Persian language and literature, Kermanshah, Postcode, Iran (first author's affiliation)

<sup>2</sup> Assistant Professor, Persian Language and Literature, Kermanshah, Postcode, Iran (second author's affiliation)

<sup>3</sup> . Professor, Persian language and literature, Kermanshah, postcode, Iran

Article information	A B S T R A C T
<p><b>Article type:</b> <b>Research Paper</b></p>	<p><i>The novel <i>This Street Has No Speed Bumps</i>, through its representation of women's lives in a patriarchal society, reveals not only the psychological and emotional structures of the characters but also the social foundations of dominance and gender discrimination. This research, by integrating the Enneagram personality model with a socio-gendered approach, analyzes the role of male psychological types in the reproduction of inequality and the maintenance of power relations within the socio-cultural context of Kermanshah city. The research methodology is qualitative content analysis of the text, focusing on character relationships, women's subjective narratives, and the social contexts of male behavior. The findings show that the men in the novel, despite diversity in personality types (Helper, Reformer, Dominator, or Hedonist), all play a role in maintaining the patriarchal order at the level of social action; whether through direct violence and control, or through seemingly benevolent affection, support, or reformism. Furthermore, these types reflect gendered cultural, class, and historical structures, and the novel, through their precise design, presents a sociological image of the manifold faces of male dominance in contemporary society. Thus, the present analysis can provide a model for examining gendered actions and the reproduction of power in other contemporary literary texts from the perspective of the interaction between literature and society.</i></p>
<p><b>KEYWORDS:</b> <i>Enneagram, Patriarchy, Male Personality, Gender Analysis, This Street Has No Speed Bumps Novel.</i></p>	
<p><b>*Corresponding author:</b> <a href="mailto:ahmadisara1242555@gmail.com">ahmadisara1242555@gmail.com</a></p>	
<p><b>Citation:</b></p>	
<p><b>DOI:</b></p>	



## خوانشی اجتماعی از تیپ شخصیتی مردان در رمان «این خیابان سرعت گیر ندارد» با رویکرد

### آناگرام

سارا احمدی<sup>۱\*</sup>، عبدالرضا نادری فر<sup>۲</sup>، سارا حسنی نطفه<sup>۳</sup>

۱. کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۳. دکتری، زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p>	<p>رمان این خیابان سرعت گیر ندارد با بازنمایی زندگی زنان در جامعه‌ای مردسالار، نه تنها ساختار روانی و عاطفی شخصیت‌ها، بلکه بنیان‌های اجتماعی سلطه و تبعیض جنسیتی را آشکار می‌سازد. این پژوهش با تلفیق الگوی آناگرام شخصیت و رویکرد جامعه‌محور جنسیتی، به تحلیل نقش تیپ‌های روان‌شناختی مردان در بازتولید نابرابری و حفظ مناسبات قدرت در بستر فرهنگی-اجتماعی شهر کرمانشاه می‌پردازد. روش تحقیق، تحلیل کیفی محتوای متن با تمرکز بر روابط میان شخصیت‌ها، روایت‌های ذهنی زنان و زمینه‌های اجتماعی رفتار مردان است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مردان رمان، با وجود تنوع در تیپ‌های شخصیتی یاری‌گر، اصلاح‌طلب، سلطه‌گر یا لذت‌جو، در سطح کنش اجتماعی، همگی در حفظ نظم مردسالار نقش دارند؛ چه از طریق خشونت و کنترل مستقیم، و چه از طریق محبت، حمایت یا اصلاح‌گری ظاهراً خیرخواهانه. همچنین که این تیپ‌ها بازتاب ساختارهای فرهنگی، طبقاتی و تاریخی جنسیت‌زده‌لند و رمان با طراحی دقیق آن‌ها، تصویری جامعه‌شناختی از چهره‌های متکثر سلطه‌مردانه در جامعه معاصر ارائه می‌کند. بدین ترتیب، تحلیل حاضر می‌تواند الگویی برای بررسی کنش‌های جنسیتی و بازتولید قدرت در سایر متون ادبی معاصر از منظر تعامل ادبیات و جامعه فراهم آورد.</p>
<p>واژگان کلیدی: آناگرام، مردسالاری، شخصیت مرد، تحلیل جنسیت، رمان این خیابان سرعت گیر ندارد.</p>	
<p>* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: <a href="mailto:ahmadisara1242555@gmail.com">ahmadisara1242555@gmail.com</a></p>	
<p>ارجاع: احمدی، سارا/ نادری فر، عبدالرضا/ حسنی نطفه، سارا، (۱۴۰۴)، خوانشی اجتماعی از تیپ شخصیتی مردان در رمان این خیابان سرعت گیر ندارد با رویکرد آناگرام، پژوهشنامه جریان‌شناسی شعر و داستان ادبیات معاصر ایران ۱۴(۱)، صص ۲۵-۷.</p>	
DOI:	

## ۱. مقدمه

در مطالعات میان‌رشته‌ای، پیوند میان ادبیات، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی از دیرباز جایگاه ویژه‌ای داشته است. آثار ادبی نه تنها بازتابی از ذهن خلاق نویسنده‌اند، بلکه به منزله‌ی آینه‌ای از ساختارهای روانی و اجتماعی زمانه‌ی او نیز عمل می‌کنند. نویسنده در فرآیند آفرینش اثر ادبی، خوانناخواه از شرایط فرهنگی، طبقاتی و جنسیتی جامعه‌ی خود تأثیر می‌پذیرد و این تأثیر در لایه‌های درونی متن متجلی می‌شود. از این رو، هر اثر ادبی را می‌توان به مثابه متنی چندلایه خواند که در آن، تجربه‌های شخصی نویسنده با واقعیت‌های اجتماعی پیرامون او درهم تنیده است. در هر داستان، قهرمان و سایر شخصیت‌ها اغلب بازتابی از جنبه‌هایی از ذهنیت و زیست اجتماعی خالق اثرند. شخصیت مرکزی، در بسیاری از موارد، نه تنها تجلی آرمان‌ها و دغدغه‌های فردی نویسنده، بلکه بازنمایی نوعی آگاهی جمعی است که از دل ساختارهای فرهنگی و مناسبات قدرت در جامعه برمی‌خیزد. از این رو، هرچه شناخت ما از شخصیت‌ها به ویژه شخصیت مرکزی عمیق‌تر باشد، درک دقیق‌تری از جهان‌بینی نویسنده و بستر اجتماعی اجتماعی شکل‌گیری اثر به دست می‌آوریم. نقد روان‌شناختی (Psychological Critique)، به عنوان یکی از شاخه‌های مهم نقد ادبی، هنگامی که با تحلیل اجتماعی پیوند می‌خورد، می‌تواند به کشف لایه‌های پنهان روابط انسانی، ساختار قدرت و نظام ارزشی در متن کمک کند. این شیوه نقد، مخاطب را قادر می‌سازد تا از سطح روایت فراتر رود و از خلال رفتار و گفتار شخصیت‌ها، به ساختارهای فرهنگی و ذهنی جامعه‌ای که اثر در آن خلق شده است، دست یابد. نویسنده در فرآیند خلق اثر، به همان اندازه که از شرایط اجتماعی و فرهنگی زمانه‌اش تأثیر می‌پذیرد، از تجربه‌ها و زیست شخصی خود نیز الهام می‌گیرد. در نتیجه، کمتر می‌توان رمانی یافت که در آن، ردپایی از زندگی فردی و تجربه‌ی زیسته‌ی خالق اثر وجود نداشته باشد. این پیوند میان فرد و جامعه، یکی از مبانی اصلی نقد میان‌رشته‌ای در مطالعات ادبی به‌شمار می‌آید. از آغاز پیدایش روان‌شناسی علمی، نظریه‌های متعددی درباره‌ی تیپ‌های شخصیتی مطرح شده است. نخستین تلاش‌ها در این زمینه به روان‌شناسان سوئسی، به ویژه کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) بازمی‌گردد که بیش از هفتاد سال پیش مباحثی اساسی در باب انواع شخصیت‌ها ارائه داد. با این حال، گسترش و بسط مفاهیم تیپ‌شناسی عمدتاً توسط دو زن آمریکایی، کاترین بریگز (۱۸۷۵-۱۹۶۸) و دخترش ایزابل بریگز هایرز (۱۸۹۷-۱۹۸۰) صورت گرفت که با تدوین الگوی MBTI سهم مهمی در توسعه این حوزه داشتند. در میان الگوهای نوین تیپ‌شناسی، مدل نه‌گانه شخصیت یا نظریه «آناگرام» (Enneagram) جایگاهی خاص یافته است؛ الگویی که در ایران نیز نسبتاً نوپا به‌شمار می‌رود. واژه «آناگرام» از ترکیب دو واژه یونانی «آنا» به معنای «عدد نه» و «گرام» به معنای «نوشته» یا «شکل» ساخته شده و در لغت به معنای «نه وجه» یا «نه مدل» است (ر.ک؛ دانیم و پرایس، ۱۳۹۳: ۳). این نظریه، انسان‌ها را به نه تیپ شخصیتی مجزا تقسیم می‌کند که هرکدام دارای ویژگی‌های متمایز فکری، احساسی و رفتاری هستند. پیشینه شکل‌گیری این الگو به گروهی موسوم به «جویندگان حقیقت» در اوایل قرن بیستم بازمی‌گردد که به رهبری جرج ایوانوویچ گرجیف (۱۸۶۶-۱۹۴۹)، در جریان سفرهای خود به رمز نمادین آناگرام دست یافتند. پس از گرجیف، اسکار ایچازو (۲۰۲۰-۱۹۳۱) با سفر به خاورمیانه، توانست ارتباط این نماد را با

تیپ‌های نُه‌گانه شخصیتی کشف کرده و آن را به‌عنوان الگویی کاربردی در روان‌شناسی و نیز در تحلیل روابط انسانی در بستر اجتماعی مطرح سازد.

زندگی‌نامه مریم جهانی و خلاصه رمان: مریم جهانی، نویسنده و شاعر معاصر ایرانی، در یکم دی‌ماه ۱۳۶۵ در کرمانشاه متولد شد. او دارای مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی است و فعالیت ادبی‌اش را از دوران دبیرستان با سرودن شعر آغاز کرد. جهانی از سال ۱۳۹۰ به‌طور جدی به داستان‌نویسی پرداخت و در سال ۱۳۹۲ نخستین مجموعه داستان خود را با عنوان چراغ‌های خاموش منتشر کرد. رمان این خیابان سرعت گیر ندارد، دومین اثر او، در سال ۱۳۹۵ منتشر شد و در سال ۱۳۹۶ موفق به دریافت جایزه ادبی جلال آل‌احمد (بخش رمان) و عنوان کتاب سال در بخش ادبیات شد. سومین اثر او رمان سنگ یشم است، سال ۱۳۹۸ منتشر شد. این رمان تداوم نگاه اجتماعی و زن‌محور نویسنده را در بستری واقع‌گرایانه دنبال می‌کند. «شهره» در رمان این خیابان سرعت گیر ندارد زن جوانی است که از همسرش جدا شده است و اکنون در آپارتمانی هفتاد متری با «محبوبه»، دخترخاله مطلقه‌اش، در شهر کرمانشاه که جامعه‌ای مردسالار است زندگی می‌کند. انتخاب شغل مردانه راننده تاکسی و دیگر اعمال شهره باعث شده است که قوانین خودساخته مردان را زیر پا بگذارد و به او شخصیتی عصیانگر ببخشد. شخصیت مردانه او توجه پدر را جلب می‌کند و او حمایت پدر را به‌دست می‌آورد و راهی برای ورود خود به جامعه باز می‌کند. زنان رمان هرکدام درگیر مشکلاتی هستند که مردان برای آن‌ها ایجاد کرده‌اند. زمانی که شهره احساس تنهایی می‌کند، با «فرهاد»، که ادعای روشنفکری دارد آشنا می‌شود؛ اما با گذشت زمان فرهاد ذات واقعی خود را نشان می‌دهد. شخصیت اصلی تلاش می‌کند در مقابل سنت‌هایی که زنان را محدود می‌کند ایستادگی کند. گاهی از دید راننده تاکسی در مورد مردمان شهر آگاهی می‌دهد و گاهی در آپارتمان به دل‌تنگی‌های محبوبه گوش می‌سپارد. رمان با خودکشی محبوبه پایان می‌یابد، با وجود این اتفاق تلخ، روزه‌های امید و تحول در جامعه دیده می‌شود. سؤالاتی که برای این پژوهش می‌توان در نظر گرفت: ۱. شخصیت‌های مرد در این خیابان سرعت گیر ندارد بر اساس نظام آناگرام در چه تیپ‌هایی قرار می‌گیرند و ویژگی‌های روان‌شناختی هر تیپ چگونه در رفتار و کنش‌های آنان بازتاب یافته است؟ ۲. تیپ‌های شخصیتی مردانه چه نقشی در بازتولید یا تثبیت ساختارهای مردسالارانه در متن دارند؟ ۳. رمان چگونه از طریق بازنمایی شخصیت‌ها، به نقد یا بازاندیشی در باب سلطه مردانه و روابط جنسیتی می‌پردازد؟

## ۱-۱. مبانی نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای یک رویکرد میان‌رشته‌ای بنا شده است. هسته روان‌شناختی تحلیل، نظریه آناگرام است؛ مدلی چندوجهی که ساختار انگیزشی و عمیق شخصیت انسان را طبقه‌بندی می‌کند. این نظریه که ریشه‌هایی در اندیشه‌های عرفانی شرقی دارد، توسط جرج ایوانویچ گرجیف (۱۹۴۹-۱۸۶۶) مطرح و سپس توسط کلودیو نارانجو (۲۰۱۹-۱۹۳۲) در روان‌شناسی بسط یافت. «در این مدل، هر تیپ شخصیتی (نه‌گانه) نمایانگر نوعی سازوکار «دفاعی و الگوی رفتاری پایدار در تعاملات بین‌فردی است» (لانیون، ۱۳۸۲: ۴۸). در حوزه مطالعات ادبی، شخصیت داستانی در رمان، از مفهوم کلیشه‌ای «تیپ» فراتر رفته و لایه‌های پیچیده‌تری از روان و زیست اجتماعی را بازتاب می‌دهد» (وات، ۱۳۷۸: ۱۸۶؛ کادن، ۱۳۸۰: ۴۷۲). این پژوهش با تلفیق این منظر ادبی با الگوی انیاگرام، به دنبال تطبیق ساختارهای روان‌شناختی مردان با نقش‌های اجتماعی است. نظریه جنسیت و ساختارهای اجتماعی در ادبیات برای تحلیل نقش شخصیت‌های مرد در بازتولید سلطه، تحلیل

روان‌شناختی (آناگرام) باید در چارچوب نقد جنسیت قرار گیرد. این امر مستلزم درگیری با مفاهیم جامعه‌شناسی ساختارگرا است. ادبیات فارسی، به‌ویژه رمان‌های اجتماعی، به‌عنوان متنی عمل می‌کند که در آن جنسیت به‌عنوان یک سازه اجتماعی و فرهنگی بازنمایی و تثبیت می‌شود. هنجارهای مردسالارانه، نقش‌های قدرت را به‌گونه‌ای تعریف می‌کنند که رفتار مردانه سلطه‌گر، چه مستقیم و چه از طریق محبت ظاهراً خیرخواهانه، وجهی هنجاری می‌یابد. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، بر این امر متمرکز است که چگونه انگیزاننده‌های بنیادین (تیپ‌های آناگرام) شخصیت‌های مرد، با ساختارهای ایدئولوژیک جنسیتی جامعه‌ی کرمانشاه تعامل کرده و نابرابری را بازتولید می‌کنند. روش پژوهش: حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. هدف اصلی، تحلیل تیپ‌های شخصیتی مردان در رمان این خیابان سرعت‌گیر ندارد بر اساس نظریه آناگرام و تبیین نقش این تیپ‌ها در بازنمایی و تثبیت ساختارهای جنسیتی جامعه است. مکتب آناگرام: شخصیت افراد مختلف طبق نظریه روان‌شناسی گورجیوف به نُه دسته یا تیپ تقسیم می‌شود که از آن‌ها به‌عنوان تیپ‌های شخصیتی یاد می‌شود. در هر تیپ شخصیتی، یکی از این مراکز در اولویت قرار دارد؛ به بیان دیگر «هر کسی (هرگونه شخصیتی) از یکی از این مراکز بیشتر استفاده می‌کند» (زالی، ۱۳۹۵: ۶-۸). هیچ‌کدام از این تیپ‌ها نشانه برتری بر دیگری نیست. «تیپ‌ها مانند نُه اتاق است که وقتی به دنیا می‌آییم، بنابر شرایط جسمی، ژنتیکی و محیطی، در یکی از آن‌ها قرار می‌گیرند. انسان در بیست سالگی ساکن دائم یکی از این اتاق‌هاست» (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۸۵ و زالی، ۱۳۹۵: ۱۰۹) و «درون همان اتاق می‌تواند مراحل مختلف رشد در نوسان باشد» (کاراندیش، ۱۳۹۴: ۵۶). اهداف این مکتب عبارتند از: شناخت بهتر خود، شناخت احساسات درونی خود، شناخت و درک بهتر دیگران و افزایش توانایی در پیش‌بینی رفتار، روابط مناسب‌تر در ارتباط با اطرافیان، ایجاد سازگاری و رضایت‌مندی بیشتر از زندگی.

## نقاط قوت و ضعف تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه

ردیف	انواع تیپ‌های شخصیتی	خصایص تیپ‌های شخصیتی
تیپ ۱	اصلاح‌طلب و کمال‌گر	مثبت: عادل، مسئول و جدی، قابل اعتماد، مبادی اخلاق، صادق، پایدار و قوی، وقت‌شناس و منضبط. منفی: قضاوت‌گر، منتقد، موشکاف و ریزبین، عصبانی، متوقع و زورگو، نصیحت‌گر، جدی.
تیپ ۲	مهرطلب و کمک‌گرا	مثبت: مهربان و دلسوز، پشتیبان، حساس، سازگار، سخاوتمند، پذیرا، باگذشت، دگران‌دیش. منفی: نیازمند و محتاج، احساس گناه دادن به‌دیگری، مداخله‌گر، کوتاه‌بین، متوقع، فضول.

تیپ ۳	موفقیت طلب و عمل گرا	مثبت: هدف گرا، فعال، پر انرژی، مطلع، قانع، پر شور و شوق، بازاریاب، ابداع کننده، مؤثر و موفق. منفی: خودبزرگبین، بی احساس و بی عاطفه، پیش از حد پرکار، با سیاست و حسابگر، متظاهر و بازیگر. ترس از شکست و تحقیر.
تیپ ۴	هنردوست و فردگرا	مثبت: خلاق، مبادی آداب، میهن پرست، کنجکاو، اصیل، پربار و بامحتوا، نوع گرا، مهربان و متشخص. منفی: خودشیفته، ماتم گرا و غم دوست، نمایشگر، دوری گزین و فراری، بی حوصله، اغراق کردن.
تیپ ۵	فکور و مشاهده گر	مثبت: حقیقت جو، آگاه، بذله گو، دلسوز، پذیرا و خونسرد. منفی: منزوی و کم عاطفه، ناتوان در برقراری ارتباط، متفکر و دانش گرا، مرموز و طمع کار، روحیه ناپایدار، افکار تهدیدآمیز و خطر اقدام به خودکشی.
تیپ ۶	محتاط و شک گرا	مثبت: قابل اعتماد، با ثبات، با احساس، پایدار، سنتی و با فرهنگ، محتاط، مدعی حق و با تدبیر. منفی: منفی باف و شکاک، ملاحظه کار، متعصب، سخت گیر و نکته بین، بی اراده، ترسو، مستبد.
تیپ ۷	خوش گذران و لذت گرا	مثبت: برون گرا و اجتماعی، شاد، خوش مشرب، خوش بین، پر انرژی و شلوغ، هوشیار و فی البداهه. منفی: ناسازگار، غیرمسئول و خوش گذران، کند و آهسته، پر حرف، فراموش کار، خودانگیزی و بدون تفکر، پیرو هوس های آنی.
تیپ ۸	رئیس و کنترل گر	مثبت: رهبر، شجاع، پرانرژی و پرکار، با قدرت، با اراده، منصف، محترم بانفوذ، متکی به خود. منفی: کنترل کننده، سخت گیر و مستبد، پرتلاطم و افراطی، خودبزرگبین، کم عاطفه، تهدیدآمیز، مقابله گر.
ثبت ۹	صلح طلب و میانه گرا	مثبت: خلاق، مبادی آداب، میهن پرست، کنجکاو، اصیل، پربار و بامحتوا، نوع گرا، مهربان و متشخص. منفی: خودشیفته، ماتم گرا و غم دوست، نمایشگر، دوری گزین و فراری، بی حوصله، اغراق کردن.

(دقیقیان، ۱۳۸۹: ۷۹-۲۰۹)

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش به دو بخش تقسیم می شود: در بخش نخست، به آثار مرتبط با تیپ شناسی شخصیت پرداخته ایم و در بخش دوم، مطالعاتی که در خصوص رمان این خیابان سرعت گیر ندارد انجام شده است، آورده شده است. با

بررسی پیشینه‌ها می‌توان دریافت که پژوهش حاضر کاملاً جدید است و تاکنون پژوهشی با این رویکرد خاص صورت نگرفته است.

پژوهش‌های انجام شده در حوزه تیپ‌شناسی شخصیت:

مقاله «بررسی شخصیت‌های رمان میرامار بر اساس مکتب انیاگرام» از پورخالص شکرالله و زهرا سلجوقی (۱۳۹۴). نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که با پی بردن به نوع تیپ شخصیتی هرکدام از این شخصیت‌ها، بهتر می‌توان آن‌ها را شناخت. مقاله «تیپ‌شناسی شخصیت عروۀ بن ورد از خلال اشعارش بر اساس نظریه انیاگرام». از رضا افخمی عقدا و مهدیه جعفری ندوشن (۱۳۹۷). نتایج پژوهش نشان می‌دهد ویژگی‌های رفتاری عروه با تیپ دو آناگرام انطباق دارد. پایان‌نامه تیپ‌شناسی شخصیت‌های داستانی جلال آل احمد بر اساس طبقه بندی انیه‌گرام از پریا احمدی (۱۳۹۷). نتایج نشان می‌دهد از میان ۲۸ شخصیت، تیپ کمال‌طلب، بالاترین درصد و تیپ کمک‌گرا، وفاجو و میانجی کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. مقاله «بررسی تطبیقی شخصیت‌های داستانی کوتاه گلی ترقی و آلیس مونرو بر اساس نظریه آناگرام». از سویدا درویش، نرگس محمدی بدر و بهناز علی پور گسگری (۱۳۹۸). دو نویسنده از تیپ‌های دو و هشت با بیشترین فراوانی بهره جسته‌اند. مقاله «تطبیق تیپ‌شناسی شخصیت‌های داستانی هدایت و داستایوفسکی با تاکید بر نظریه بندی انیه‌گرام» از رعنا محمدپور طالعی، پروانه عادل زاده، کامران پاشایی فخری (۱۴۰۰). از میان پنجاه و یک شخصیت داستانی هدایت، سیزده شخصیت در تیپ رماتیک محزون جای می‌گیرند. پایان‌نامه بررسی انواع شخصیت در رمان‌های بلقیس سلیمانی بر مبنای نظریه آناگرام از مهدی حاجیان نصر آبادی (۱۴۰۰). در پنج رمان سلیمانی، تیپ شماره چهار یا فردگرا بیشترین شخصیتی است که قابل انطباق با نظریه آناگرام است. پایان‌نامه تیپ‌شناسی شخصیت‌های اصلی در داستان‌های صادق چوبک بر اساس الگوی انیاگرام از میلاد رسولی (۱۴۰۰). روان‌شناختی شخصیت در این مقاله نشان می‌دهد که نویسنده خواهان این است، توجه مخاطب را به شخصیت‌های فرودست جلب کند. پایان‌نامه بررسی انواع شخصیت در گلستان سعدی بر اساس نظریه آناگرام از علی حسن‌پور (۱۴۰۱). پایان‌نامه به این نتیجه رسیده که شخصیت بیانگر شیوه عملکرد است و انسان‌ها می‌توانند با دانستن چنین مشخصاتی، به خودشناسی و ارتباط بهتر با اطرافیان دست یابند. پایان‌نامه بررسی انواع شخصیت در کودکانه‌های شکوه قاسم نیا بر اساس تیپ‌شناسی نظریه آناگرام از مهدی قزاق (۱۴۰۱). نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شخصیت‌های داستان نویسنده، همسانی با تیپ شش نظریه آناگرام دارد. مقاله «تیپ‌شناسی شخصیت قهرمان داستان در مدیر مدرسه جلال آل احمد بر اساس نظریه پیرسون و انیاگرام». از علیرضا مظفری و شیخ الاسلامی مکرری سوران (۱۴۰۲). نتایج مقاله بیانگر این است که شخصیت راوی داستان، نشان‌دهنده سه کهن‌الگو است و در تیپ‌شناسی ایناگرام نشان‌دهنده سه تیپ شخصیتی است. مقاله «تحلیل روان‌شناختی شخصیت در داستان کوتاه «درخت گلانی» از گلی ترقی بر اساس نظریه آناگرام» از سویدا درویش و نرگس محمدی بدر (۱۴۰۳). نتایج به دست آمده حاکی از آن است که غالب مؤلفه‌های رفتاری شخصیت اصلی داستان با تیپ پنج آناگرام مطابقت دارد.

پژوهش‌های انجام شده در حوزه رمان مورد بحث ما:

مقاله «تحلیل ساختار شکنی و تقابل دوگانه در رمان این خیابان سرعت گیر ندارد» از فریبا رحیمی؛ ناصر علی زاده و آرش مشفق (۱۳۸۸). این مقاله به توصیف دنیای زنانی می‌پردازد که بین دنیای مردسالار و تمایلات زنانه قرار گرفته‌اند. مقاله «من و دیگری در این خیابان سرعت گیر ندارد» از امیری، نادر (۱۳۹۸). به این نتیجه رسیده که نه

یک دیگری بلکه سه دیگری در سه ساحت حضور دارند و دیگری می‌تواند مرد باشد. مقاله «نقد فمینیستی رمان این خیابان سرعت گیر ندارد اثر مریم جهانی» از فرشاد اسکندری شرفی، ستایش فتاحی و وحید مبارک (۱۳۹۹). نویسنده مقاله در این پژوهش جلوه‌های گوناگونی از مشکلات زنان در جامعه مردسالار به‌نمایش گذاشته است. مقاله «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان این خیابان سرعت گیر ندارد بر اساس نظریه پی‌یر گیرو» از سارا احمدی، عبدالرضا نادری فر و سارا حسنی نطفه (۱۴۰۴). نویسنده در این پژوهش بر اساس نظریه پی‌یر گیرو به بررسی و تحلیل نشانه‌های اجتماعی در رمان و لایه‌های پنهان آن پرداخته است.

## ۲. بحث و بررسی

### ۱. مرد در این خیابان سرعت گیر ندارد

رمان این خیابان سرعت گیر ندارد بستری برای مشاهده ظهور و بازتولید ساختارهای قدرت جنسیتی در بافت شهری کرمانشاه است، جایی که مردان رمان، فارغ از تیپ‌های روان‌شناختی آناگرام، در سطح کنش اجتماعی، در چارچوب تعریف غالبی از «مردانگی» عمل می‌کنند که مبتنی بر سلطه جویی، سنت‌گرایی و کنترل فضا و بدن زنانه است. این کلیت سرکوبگر، محصول صرفاً فردی نیست، بلکه ریشه در تلاقی سه بُعد اصلی دارد: نخست، ساختار مردسالاری به مثابه هنجار بنیادین که رفتارهای مردان از خشونت فیزیکی و کلامی تا دخالت در جزئی‌ترین امور زنان را نمایانگر تلاش برای حفظ سلسله‌مراتب سنتی می‌سازد، به طوری که سلطه بر زن مطیع و وابسته در جامعه مورد مطالعه، یک اولویت ساختاری است؛ دوم، نقش بافت فرهنگی-تاریخی کرمانشاه (عامل فضایی) که فضایی فراهم می‌آورد تا تعصبات و حفظ ظاهر اجتماعی (آبرو) بر روابط خانوادگی سایه افکنده و به مردان اجازه دهد سلطه‌شان را تحت لوای «حفظ سنت» یا «غیرت» توجیه کنند، امری که تحلیل را از کلیت‌نگری صرف به سمت یک تحلیل جامعه‌شناختی محلی سوق می‌دهد؛ و سوم، تأثیرات طبقه اجتماعی بر اعمال قدرت که اگرچه رمان به طور صریح به جزئیات طبقاتی نمی‌پردازد، اما نحوه اعمال قدرت نشان می‌دهد که چگونه سرمایه اجتماعی یا اقتصادی هر فرد، ابزار او برای اعمال سلطه را تغییر می‌دهد، به این صورت که سلطه می‌تواند از طریق اجبار عریان مالی یا از طریق نفوذ و کنترل نرم‌تر اعمال شود. بنابراین، مردانگی در این اثر، یکپارچه نیست، بلکه یک مفهوم چندوجهی است که در تقاطع این سه عامل (مردسالاری، سنت منطقه‌ای و سازوکارهای طبقاتی)، خود را بر زنان تحمیل می‌کند و این امر، بازتولید پنهان یا آشکار سلطه را فراتر از یک کلیشه رفتاری، به یک پدیده ساختاری تبدیل می‌کند.

### ۱-۱. بابک

بابک شخصیتی است که به خوبی ویژگی‌های منفی تیپ ششم آناگرام را بازتاب می‌دهد. این تیپ شخصیتی معمولاً با ویژگی‌هایی همچون قلیل اعتماد بودن، میل به امنیت، وفاداری، اما در سوی دیگر، شکاکی، بدبینی، تعصب، کنترل‌گری، کینه‌توزی، و استبداد همراه است. بابک در روایت رمان، شخصیتی است که در کنار غیرت و عشق پنهان، گرفتار تنگ‌نظری، تعصب و غرور بیمارگونه است.

«در ماشین را که باز می‌کند، لحظه‌ای برمی‌گردد و نگاهمان به هم می‌افتد... یک نگاه پر از عشق و خشونت.»

(جهانی، ۱۳۹۷: ۱۴)

این جمله، دوگانگی بنیادی شخصیت بابک را به خوبی نمایان می‌سازد. او از کودکی دلبسته‌ی شهره بوده، اما هرگز

نتوانسته است احساسات خود را صریح بیان کند؛ چرا که غرور و تربیت مردسالارانه‌ی او مانع بروز عاطفه در قالبی سالم و روشن شده است.

«همان‌طور که قدم‌به‌قدم با من می‌آید تا جلو راه‌پله، می‌گوید: یه سنگ‌هایی هست که باید وا بکنیمش».

(همان: ۱۱۵)

بابک حتی برای پیشنهاد ازدواج هم از کنایه استفاده می‌کند و توانایی ابراز مستقیم خواسته‌هایش را ندارد. او فردی است که نه تنها احساسات خود را سرکوب می‌کند، بلکه در مواجهه با احساسات دیگران نیز ناتوان و خشک رفتار می‌کند.

«بابک بلد نیست کسی را آرام کند. بلد نیست محبت کند. بلد نیست به زبان نرم بگوید دوستت دارم».

(همان: ۱۱۴)

رفتار بابک نسبت به شهره نمود کاملی از شخصیت‌های کنترل‌گر و شکاک است. او می‌خواهد تمامی جنبه‌های زندگی شهره را تحت نظارت خود بگیرد، از پوشش گرفته تا روابط اجتماعی‌اش.

«دختر اون جا پاتوق لات و لوتاس، می‌خوای خون بدی دستم؟»

(همان: ۲۸)

این نگاه مالکانه و شدیداً کنترل‌گر از ویژگی‌های رایج تیپ ششم در سطح ناسالم آن است. واکنش بابک به موقعیت‌های عاطفی، اغلب از مسیر خشونت و خشم می‌گذرد. به‌عنوان مثال، پس از دیدن شهره در تاکسی در کنار مردان دیگر، به شدت خشمگین می‌شود و کنترل رفتاری خود را از دست می‌دهد:

«سیاه مست کرده و تمام محل را از دم فحش گذرانده».

(همان: ۱۱۰)

این خشم و رفتار تند، ناشی از همان احساس تهدید همیشگی است که در تیپ ششم دیده می‌شود. بابک همچنان فردی کینه‌توز و انتقام‌جوست. وقتی گریه‌ای خروس لاری مورد علاقه‌اش را می‌کشد، او با خشونت بی‌رحمانه‌گریه و توله‌هایش را به آتش می‌کشد:

«چهار لیتری را روی تیر چوب‌های آوار شده، جلوی لانه‌ی گریه‌ها خالی کرد و کبریت چکانده بود».

(همان: ۱۳۱)

این رفتار، بار دیگر نشان‌دهنده‌ی میزان کینه و ناتوانی او در مدیریت احساسات و فقدان کنترل هیجانی است. از سوی دیگر، او نسبت به مردانی که به او لطمه زده‌اند نیز همین روحیه انتقام‌جویانه را دارد:

«می‌شناسمش. کینه‌اش ویرانگر است».

(همان: ۱۱۵)

چنین ویژگی‌هایی نشان می‌دهد که بابک نه تنها در روابط عاطفی، بلکه در تعاملات اجتماعی نیز دارای انعطاف‌ناپذیری و خشونت پنهان است. در مجموع، بابک در لایه‌های عمیق روانی، فردی است که در جامعه‌ای مردسالار رشد کرده و از ابراز عاطفه و عشق به‌شدت می‌هراسد. غرور، کنترل‌گری، شکاکی و عدم توانایی در پذیرش خواسته‌های زنان‌های شهره باعث شده است او نتواند رابطه‌ای سالم و متعادل با او برقرار کند. همان‌طور که شهره نیز در واکنش به این ویژگی‌ها، بابک را نمی‌تواند به‌عنوان همسر بپذیرد؛ چرا که آزادی فردی و انتخاب‌های شخصی خود را به خواسته‌های کنترل‌گرانه‌ی او ترجیح می‌دهد.

## ۱-۲. پدر شه‌ره

پدر شه‌ره، با توجه به ویژگی‌های شخصیتی‌اش، در الگوی تیپ دو شخصیت‌های نه‌گانه‌ی اناگرام قرار می‌گیرد. او فردی پشتیبان، تکیه‌گاه، تشویق‌کننده، سخاوتمند، هدایت‌گر و الگودهنده برای دخترش است. با این حال، در رابطه با همسرش، چنین ویژگی‌هایی مشاهده نمی‌شود و او هم‌صحبت و همراه خوبی برای همسرش نیست. پدر شه‌ره، نمونه‌ای از بهترین حامیان و تکیه‌گاه‌هایی است که در زندگی یک دختر می‌تواند وجود داشته باشد. به گونه‌ای که شه‌ره در لحظات ناراحتی و دلتنگی با یادآوری پدر، انگیزه و روحیه‌ی لازم برای ادامه‌ی زندگی را به دست می‌آورد. زمانی که پدر از علاقه‌ی دخترش به رانندگی آگاه می‌شود، نه تنها او را از این علاقه باز نمی‌دارد، بلکه با تمام وجود از او حمایت می‌کند:

«پدر سر می‌کشد تو کوچه. می‌بیندم و با دمپایی و شلوار کردی می‌آید کنار دستم تو ماشین می‌نشینی. نگاهم نمی‌کند... رانندگی دوست داری؟... خیلی... چرا؟ مگه تو پسری؟... اره پسر توام... پس اینی که می‌گم خوب یادت بمانه. اگر یه وخت رانندگی یاد گرفتی تا او دین آخرش یاد بگیر... پاته بزار رو گاز و بچسبانش...».

(همان: ۱۶-۱۷)

همچنین می‌خوانیم: «از درآمد خودش که کم هم نبود خرج کرد تا بروم تعلیم رانندگی».

(همان: ۶۰)

و

«حالا دیه گواهینامه داری. اگر ئی ماشینه بزنی له و لورده بکنی مه عین خیالم نیست. ماشین کسیم درب و داغان بکنی بیمه داریم. بزنی یکیم بکشی ککم نمی‌گزه. پس اگر ترس داری بریزش دور و درست رانندگی بکن. مثل یه مرد...».

(همان: ۱۱۰)

شه‌ره دارای رفتارهایی پسرانه است و همین باعث شده از جانب پدر مورد پذیرش قرار گیرد. پدر، شه‌ره را جایگزین پسر نداشته‌اش می‌بیند و او را در مسیر رسیدن به خواسته‌هایش حمایت می‌کند: «و من مثل پدر سرکش بودم که نه با شراره و نه مادر نمی‌جوشیدم. با پدر اما هم‌دست بودیم. بی آن‌که به زبان بیاورد تایید می‌کرد از دیوار راست بالا کشیدنم را».

(همان: ۶۰)

شه‌ره در بسیاری از مواقع پدر را الگوی خود قرار می‌دهد:

«با آن هیکل ریزه و حرکات تر و فرزند، تا روزی که زنده بود به قول خودش نان از عمل خودش خورد و یک روز هم صافکاری‌اش را تعطیل نکرد و هر چه را درمی‌آورد خرج می‌کرد. می‌گفت: نان زن بی‌غیرتی می‌آره».

(همان: ۶۱)

در این بخش، پدر شه‌ره نقش الگویی مؤثر را ایفا می‌کند؛ به دخترش می‌آموزد که روی پای خود بایستد و منتظر کمک دیگران نباشد. با این حال، نشانه‌هایی از زن‌ستیزی نیز در شخصیت پدر دیده می‌شود. او با کار کردن و کسب درآمد توسط زنان مخالف است و نسبت به همسرش محبت نشان نمی‌دهد.

«اسم پدر که بیاید او یاد چیزهایی می‌افتد که در زندگی کم داشته؛ محبت، روی خوش، هم‌صحبت...»

(همان: ۶۳)

در ادامه آمده است:

«پدر عادت داشت حرفش را خیره به جایی غیر از چشم مخاطبش بزند. اصولاً اشیاء را انتخاب می‌کرد چون زبان پاسخگویی نداشتند. از پاسخ شنیدن بیزار بود، از پرگویی بیزار بود. همه می‌دانستیم مادر فقط گوش‌های پدر را لایق شنیدن حرف‌هاش می‌داند. همه می‌دانستیم وقتی پدر زل می‌زند به تلویزیون و می‌گوید: صدایشه بیرین، یعنی مادر خفه شود. یعنی پدر ظرفیت پر است...».

(همان: ۱۶)

پدر شهرة، به دلیل آن‌که رفتارهای زنانه در دخترش کمتر مشاهده می‌شود، از او حمایت می‌کند. این در حالی است که در جامعه‌ای زن‌ستیز، مردان معمولاً خواهان سلطه‌جویی و کنترل زنانند و نسبت به آنان با خشونت، سردی و بدون صمیمیت رفتار می‌کنند. آنان بر این باورند که در صورت بروز عاطفه و همدلی، از هیبت مردانه‌ی خود کاسته خواهد شد. در مجموع، پدر شهرة با وجود برخی گرایش‌های زن‌ستیزانه، نسبت به دخترش محبوه و ویژگی‌های مثبت تیپ شخصیتی دورا از خود نشان می‌دهد. او پدری مهربان، دلسوز، پشتیبان، سخاوتمند و فداکار است. درک او از تفاوت‌های شخصیتی شهرة باعث می‌شود با حمایت تمام‌قد، دخترش را در مسیر استقلال، جسارت و تحقق خواسته‌هایش همراهی کند.

۱-۳. پدر محبوه

پدر محبوه، با توجه به ویژگی‌های رفتاری‌اش، دارای نقاط ضعف تیپ شخصیتی یک در الگوی آناگرام است. ویژگی‌هایی همچون توقع بیش‌ازحد، سلطه‌جویی، عصبانیت، عیب‌جویی، ریزبینی افراطی و گرایش به نصیحت‌گری، از جمله خصایص برجسته‌ی اوست. او شخصیتی سنت‌گرا، سرکوب‌گر و بددهن دارد و در برخورد با دخترش نه تنها رفتار حمایتی ندارد، بلکه با زبان تلخ خود او را مورد سرزنش و تحقیر قرار می‌دهد. در جامعه‌ای زن‌ستیز و مردسالار، زمانی که زندگی زناشویی دختری از خانواده به طلاق منتهی می‌شود، خانواده به جای درک موقعیت، او را با سرکوفت‌ها و طعنه‌ها مورد حمله قرار می‌دهد؛ چرا که طلاق را نه یک حق فردی، بلکه شکستی اجتماعی و خفت‌آور برای خانواده تلقی می‌کند. در چنین فضایی، زنان مطلقه تحت فشارهای روانی شدید قرار می‌گیرند و به‌عنوان عامل فروپاشی خانواده‌ها شناخته می‌شوند. خانواده‌ها به‌ویژه پدران، به جای همدلی، دختران خود را مسئول این «آبروریزی» می‌دانند. در همین راستا، پدر محبوه نیز به‌جای آن‌که دخترش را در برابر بحران عاطفی طلاق دل‌داری دهد، با زخم‌زبان و خشونت کلامی، آسیب روحی او را تشدید می‌کند:

«شهرة: از این مرد بیزارم. زبانش نیش دارد. بدتر از نیش عقرب. وقتی می‌گذرد از مار گزیده بیشتر پیچ و تاب

می‌خوری».

(همان: ۹۶)

«شهرة: راستش بخوای پدرش یه شیره‌ای الدنگ بدزبانه... صبح که پا می‌شه آ خواب تا دو تا حب بندازه بالا و یخش آب بشه و اعصاب گه مرغیش آرام بگیره، پیر ئی بنده خدایه می‌آره جلو چشمش. که چرا طلاق گرفتی؟ ئی پسره از دست رفت دیه ماندی ته خانه تا صور بدمه... چرا بیوه شدی که مردم هزار جور حرف بارمان بکنن؟ حتماً کیسه زیر سر داشتی... حق نداری ایم دخترته بیاری. هی او بهتر که او بردش... هر روز تو خانه‌شان یه الم‌شنگه‌ای به پا می‌شد که بیا و ببین. مادرشم ای وسط گیر افتاده بود».

(همان: ۱۰۱)

در مقایسه‌ای میان پدر شه‌ره و پدر محبوبه، می‌توان به تفاوت بنیادین در سبک فرزندپروری آنان پی برد. پدر شه‌ره که دارای ویژگی‌های مثبت تیپ دو شخصیتی است، به دختر خود احترام می‌گذارد، برای او آزادی انتخاب قائل است و با حمایت‌هایش موجب رشد استقلال و اعتمادبه‌نفس شه‌ره می‌شود. شه‌ره به واسطه‌ی این حمایت‌ها، شخصیتی مستقل، نترس و تصمیم‌گیرنده دارد و می‌کوشد آنچه را درست می‌داند، بی‌توجه به قضاوت‌های دیگران، انجام دهد. در مقابل، پدر محبوبه که نمود بارز ضعف‌های تیپ یک شخصیتی است، با زبان تلخ و رفتار تحقیرآمیز، نه تنها از دخترش حمایت نمی‌کند، بلکه با زدن برچسب‌هایی چون «بیوه» و نسبت دادن طلاق به بی‌کفایتی دختر، عزت‌نفس او را مخدوش می‌سازد. همین برخوردها و احساس بی‌پناهی در محبوبه باعث می‌شود که دچار تردید در تصمیم خود شود و در نهایت، ناامید از حمایت خانواده، به خودکشی روی آورد. رفتار پدر محبوبه نشان‌دهنده‌ی نگرش منفی جامعه به زنان مطلقه است. زنانی که پس از طلاق نه تنها حمایت نمی‌شوند، بلکه تحت قضاوت و فشارهای اجتماعی قرار می‌گیرند. پدر محبوبه در حقیقت بازتاب همان ساختار مردسالارانه‌ای است که زنان را صرفاً در چارچوب نقش همسری و مادری معنا می‌کند و کوچک‌ترین انحرافی از این نقش‌ها را مستوجب سرزنش و طرد می‌داند. بدین ترتیب، عدم درک و همدلی پدر، فقدان حمایت روانی و ترس از قضاوت جامعه، مجموعه‌ای از عوامل فشار روانی هستند که محبوبه را به سمت فروپاشی روانی و مرگ سوق می‌دهند.

#### ۴-۱. حامد

تحلیل شخصیت حامد در چارچوب تیپ هفتم شخصیت‌شناسی آناگرام شخصیت حامد با ویژگی‌های تیپ هفتم شخصیت‌شناسی آناگرام هم‌خوانی دارد. این تیپ معمولاً با برون‌گرایی، اجتماعی بودن، پرنرژی بودن، نشاط‌طلبی و تمایل به تجربه‌های متنوع شناخته می‌شود. با این حال، وجه منفی این تیپ نیز شامل ناسازگاری، بی‌ثباتی، هوس‌بازی، خیانت‌پیشگی و عدم تعهد است که در رفتارهای حامد به‌خوبی بازتاب یافته است. حامد شخصیتی پرجاذبه، پرنرژی و اجتماعی دارد، اما این ویژگی‌ها بیشتر در محل کار و در مواجهه با دیگر زنان دیده می‌شود، نه در تعاملاتش با همسرش، شه‌ره.

«یک‌بار تا دم مغازه‌اش رفتم... با زن‌ها احاطه شده بود... یکی‌شان گفت: آقا حامد رنگ فندقی رو به آرایش‌گرم

دادم... حامد در حالی که جعبه‌ی ادکلنی را می‌بست گفت: شما بزن، اگه به‌ات نیومد با من...».

(همان: ۲۳)

این‌گونه کنش‌ها نشان می‌دهند که او با زنان بسیار راحت، گرم و بی‌پروا برخورد می‌کند، اما این رفتارها بر پایه‌ای سطحی و برای جلب توجه است. حامد فردی تنوع‌طلب است که از یکنواختی به‌سرعت خسته می‌شود.

«هم آرام آرام کشف کردم که چقدر زود خسته می‌شود از یکنواختی.».

(همان: ۲۵)

این ویژگی باعث می‌شود که به راحتی روابطش را با افراد مختلف جایگزین کند. او زمانی که از شه‌ره خسته می‌شود، جذب دختری با ظرافت‌های زنانه بیشتر به نام هستی می‌شود، دختری که در مغازه‌اش کار می‌کند و بیشتر مطابق میل او رفتار می‌کند.

«همان شبی که حامد مرا از زندگیش خط زد... گفتم: عاشق شدی حامد؟ سکوت کرد...».

(همان: ۱۳۷)

حامد شخصیتی متظاهر و به ظاهر متجدد دارد، اما تجدد او عمیق و درونی نیست؛ بلکه از سوی خانواده‌اش به صورت سطحی و نمایشی دنبال می‌شود.

«حامد هم با کلاس بود... کلاس آن‌ها یه جورهایی عاریه‌ای به نظر می‌رسید».

(همان: ۹۹-۹۸)

این تجدد نمایشی، در رفتار او با همسرش نیز نمود پیدا می‌کند؛ زمانی که متوجه می‌شود شخصیت شهره مطابق معیارهای مورد نظر او نیست، شروع به تحقیر و بی‌احترامی می‌کند.

«... من خودم را یک سوسک می‌دیدم که دزدکی از چاهک مستراح بیرون آمده و گند زده به خانه و زندگی مردی

که خودش و خانواده‌اش کلاس را از نان شب واجب‌تر می‌دانند».

(همان: ۲۷)

این جمله بیانگر عمق تحقیرهای کلامی و رفتاری حامد نسبت به شهره است. از دیگر ویژگی‌های رفتاری حامد، کنترل‌گری و عدم اعتماد است.

«چرا برای روشن کردن گوشی‌اش مثل گاوصندوق بانک مرکزی باید هزار جور رمز و پین کد استفاده کرد؟».

(همان: ۲۵)

این‌گونه رفتارها، نشانه‌هایی از عدم صداقت و خیانت در رابطه است. تنوع‌طلبی و بی‌ثباتی حامد نه تنها در روابط شخصی بلکه در نوع نگاه او به زنان نیز دیده می‌شود. او زنانی را ترجیح می‌دهد که با نمایش زنانگی کلیشه‌ای، خود را مطابق خواست او تعریف می‌کنند.

«انگار که من چون یک زنم و زن‌ها باید آخرِ زنانگی باشند و من نیستم».

(همان: ۲۷)

در مقایسه غیرمستقیمی که در رمان میان حامد و فرهاد شکل می‌گیرد، مشاهده می‌شود که هر دو شخصیت در ظاهر تفاوت‌هایی دارند. فرهاد با اصالت‌تر و دارای نوعی جذابیت روشنفکرانه است، در حالی که حامد تجددی نمایشی دارد. با این حال، در عمق وجود، هر دو در پی لذت‌های آنی، هوس‌رانی و ناپایداری در رابطه‌اند. فرهاد با استفاده از گفتمان آزادی و حقوق زنان، آن‌ها را مجذوب می‌کند، در حالی که حامد با ظاهری فریبنده و رفتارهای زن‌پسندانه به هدف خود می‌رسد. اما در نهایت، هر دو آزادی را نه به معنای احترام به انتخاب‌های زنان، بلکه به‌عنوان ابزاری برای بهره‌کشی از آن‌ها تعریف می‌کنند. در مجموع، حامد نمونه‌ای دقیق از تیپ هفتم آناگرام در بعد منفی آن است؛ شخصیتی برون‌گرا، خوش‌مشرب و پارانرژی در ظاهر، اما در باطن، فردی ناپایدار، خیانت‌پیشه، هوس‌ران، ناسازگار و کنترل‌گر که از تجدد تنها پوسته‌ای نمایشی را در خود جذب کرده است. این تیپ، هنگامی که درگیر روابط عاطفی می‌شود، به دلیل بی‌تعهدی و تنوع‌طلبی، روابط را دچار بحران می‌کند.

#### ۱-۵. دایی شهره

شخصیت دایی شهره نمود بارزی از سویه‌های منفی تیپ هشتم آناگرام است. ویژگی‌های منفی این تیپ شامل انتقام‌جویی، کنترل‌گری، سخت‌گیری، خودبزرگ‌بینی، پرخاشگری، عاطفه‌گریزی، تهدیدگری، سنت‌گرایی افراطی، بدخلقی، و ظلم‌پیشگی است. افرادی با این ویژگی‌ها برای حفظ قدرت و کنترل بر اطرافیان، اغلب از تهدید، خشونت، و تحقیر بهره می‌برند و برای عواطف دیگران ارزشی قائل نیستند. در یکی از صحنه‌های تکان‌دهنده، دایی شهره او را به دلیل شغلش تهدید می‌کند:

«یک بار هم تهدیدم کرد که اگر دست از شغلم نکشم، می سپرد به ارازل و او باش جیره خور که اسید پیاشند به صورتم. خندیدم و گفتم: دایی، تو فکر کردی کسی که راننده تاکسی می شه، سر و ظاهر براش مهمه؟ از من می شنوی، معطل نکن. بده پیاشن».

(همان: ۱۳۴)

این تهدید صریح، نشانه‌ی خوی خشن و تهدیدگر دایی است که در برخورد با زنان از ابزاری چون اسیدپاشی برای سلطه جویی استفاده می کند. دایی شهره، مردی خودکامه و به شدت سلطه طلب است. در توصیف رابطه‌ی پدرسالارانه اش با فرزندان فرضی اش چنین می گوید:

«همیشه می گوید: شانس یارت بوده که دختر یکی مثل من نشدی. خدا به سر شاهده حبست می کردم تو به اتاق و مثل سگ روزی به تیکه نون خشک می نداختم جلوت که سقط نشی از گرسنگی. این جور دمتو می چیدم که کیف کنی».

(همان: ۱۴۲)

این گفتار، نمایش روشنی از ذهنیتی خشونت محور و زن ستیز است که در آن مرد، خود را مالک جان و کرامت زن می داند. از دیگر نمودهای قدرت طلبی و ظلم دایی، رفتار او با خواهرانش در موضوع ارث پدری است. با وجود وصیت نامه‌ای که به تقسیم مساوی دارایی بین دختران و پسر اشاره دارد، دایی چنین حقی را به رسمیت نمی شناسد: «خاله می گوید که پدرشان در وصیت نامه‌ای که به جا گذاشته، خواسته که کل دارایی اش به مساوات بین دخترها و پسرش قسمت شود. ولی دایی می گوید روحش هم از این وصیت نامه خبر ندارد».

(همان: ۸۸)

این جمله آشکارا نشان می دهد که دایی نه تنها حق دیگران را نادیده می گیرد بلکه برای توجیه سلطه‌ی خود به انکار حقیقت نیز متوسل می شود. در واکنش به پیگیری حق توسط شهره، دایی با پرخاش و تحقیر پاسخ می دهد: «آخرین بار به حمایت از خاله گفتم: دایی، مگه همه نمی دونن یه وصیت نامه از پدر بزرگ به جا مونده؟ پس کو؟ خون دوید تو صورتش و داد زد: کره خر! یه میدان بار و یه شهر حرف رو حرفم نمی آرَن، حالا تو جغله حساب پس می گیری از من؟».

(همان: ۸۸)

او نه تنها نمی تواند انتقاد یا پرسشی را بپذیرد، بلکه با فحاشی و تحقیر سعی در خاموش کردن صدای مطالبه گر زنان دارد. دایی شهره در تربیت فرزندش، بابک، نیز همین الگوی سلطه گر و زن ستیز را تکرار کرده است. نگاه حقیرانه به زن، رفتار خشن، و تمایل به کنترل زندگی دیگران از ویژگی های مشترک این دو شخصیت است. او پسرش را نیز در فضای سنتی مردسالارانه پرورش داده و درونی سازی کلیشه های مردانه خشن را در رفتار بابک می توان مشاهده کرد. در جمع بندی، شخصیت دایی شهره به خوبی با ویژگی های منفی تیپ هشتم آناگرام تطابق دارد. او مردی است سنت گرا، تهدیدگر، خشن، بدخلق و زن ستیز که تصور می کند زن ها باید مطیع اراده ی مرد باشند و کوچک ترین سرپیچی را باید با مجازات پاسخ داد. برای چنین شخصیتی، قدرت، برتری و سلطه بر زنان اصل اساسی حیات است؛ اصولی که شخصیت شهره با آن ها به طور کامل در تضاد قرار دارد.

۱-۶. فرهاد

شخصیت فرهاد در رمان، با تیپ شخصیتی هفت در نظام آناگرام مطابقت دارد. او فردی برون گرا، اجتماعی،

خوش مشرب، پرانرژی، شاد و پرتحرک است که گرایش زیادی به تجربه‌های متنوع، هیجان‌طلبی و فرار از یکنواختی دارد. در عین حال، ویژگی‌هایی همچون ناسازگاری، پرحرفی، فراموش‌کاری، پیروی از هوس‌های آنی و ظاهرسازی نیز از جمله نقاط ضعف اوست. فرهاد به ظاهر فردی روشن‌فکر، متشخص و آزادی‌خواه است که ادعای همدلی با زنان دارد، اما در واقع، این رفتارها ابزاری برای جلب توجه و سوءاستفاده از زنان هستند. در توصیف اولیه‌ی او آمده است:

«چند متر جلوتر مردی سی و چهار پنج ساله‌ی کت و شلواری دست بلند می‌کند... فقط مسافره‌ای لارج دست بلند می‌کنند».

(همان: ۲۲)

«فرهاد فنجان خودش را به پسر نشان می‌دهد و می‌گوید: اینجاشو ببین. لب‌پر شده. مواظب باش وقت شستن دستتو نبره».

(همان: ۵۵)

«انسان دوست‌ترین مسافری که تا حالا داشته‌ام... می‌شود متشخص‌ترین مردی که دیده‌ام. چون در کافی‌شاپ را برایم باز می‌کند تا بیرون بروم».

(همان: ۵۶)

«باورش سخت است آن مرد جدی این‌طور خوش‌خنده باشد».

(همان: ۵۲)

فرهاد در جلب اعتماد دیگران و ایفای نقش فردی انسان‌دوست و متمدن موفق عمل می‌کند. اما در فصل‌های پایانی رمان، پرده از شخصیت واقعی او کنار می‌رود و روشن می‌شود که ذهنیت و نگرش او نسبت به زنان، برخلاف ادعاهای ظاهر فریبانه‌اش، کاملاً مردسالارانه و ابزاری است. او که ادعا می‌کند حامی زنان مستقل است، در واقع آزادی زنان را در خدمت لذت‌جویی و تسلط خود می‌بیند. در یکی از گفتگوهایش می‌گوید:

«من از زنای سرتق خوشم می‌آد. زنی که داشته‌هاش حاصل مبارزه و تلاش خودشه... وقتی از این‌جا رفتم... شهر رو نمی‌تونستی یه شهر قرن بیست و یکمی به حساب بیاری... اما اون روز که سوار ماشین شما شدم... به خودم گفتم نه فرهاد شهرت داره کم‌کم اروپایی می‌شه... اینجا بیشتر از هر چیز و هر کس، این خود زنها هستن که واسه خوشون حصار می‌خرن».

(همان: ۵۴-۵۵)

در نگاه فرهاد، زنان نباید هیچ‌گونه محدودیتی برای خود قائل باشند و باید در خدمت خواسته‌ها و تمایلات او قرار گیرند. او درک درستی از مفهوم آزادی ندارد و آزادی را با بی‌قیدوبندی و حذف مرزهای اخلاقی اشتباه می‌گیرد. جمله‌ی:

«راستی تنها زندگی می‌کنی دیگه؟»

(همان: ۱۰۰)

بازتابی از نیت پنهان اوست. جالب آن‌که هم‌زمان با سوار شدن فرهاد به تاکسی شهره، رادیو نیز در حال پخش برنامه‌ای درباره‌ی آزادی است:

«پیچ رادیو را باز می‌کنم. ... شاید فردی که به اختیار انزوا را برگزیده، هرگز نخواهد که از قید و بند آن انزوا رهایی

یابد. بنابراین، آزادی همواره در نسبت و رابطه با چیز یا حالتی تعریف می‌شود».

(همان: ۲۲)

این تقارن معنادار، تضاد میان ادعای روشن‌فکری فرهاد و واقعیت ذهنیت او را برجسته می‌سازد. مطابق تعریف رادیو، آزادی به معنای احترام به انتخاب‌ها و مرزهای دیگران است؛ امری که فرهاد آن را نمی‌فهمد. او باید یاد بگیرد که به حریم شخصی و انتخاب‌های زنان احترام بگذارد و مفهوم آزادی را در چارچوب اخلاقی و انسانی درک کند، نه آن‌طور که به نفع خود تفسیر می‌کند. اگرچه رفتارهای اولیه‌ی فرهاد، شهره را مجذوب خود می‌کند، اما زمانی که شهره به نیت‌های واقعی او پی می‌برد، با واکنشی قاطع، مرزهای خود را مشخص می‌سازد و نشان می‌دهد که با چنین درکی از آزادی همراه نیست. در مجموع، شخصیت فرهاد بازتابی از تیپ شخصیتی هفت آناگرام است؛ فردی پرشور، خوش‌رو، پرحرف و متنوع‌طلب، اما در عین حال سطحی‌نگر، هوس‌ران و فاقد تعهد عاطفی پایدار. او اگرچه نقابی از روشن‌فکری بر چهره دارد، اما در عمل، رفتاری کاملاً مردسالارانه و ابزاری نسبت به زنان از خود بروز می‌دهد. شخصیت او نمونه‌ای از تناقض میان ظاهر و باطن در بخشی از جامعه‌ی به‌ظاهر مدرن و متمدن است.

۷-۱. محمد

شخصیت محمد نمایانگر ترکیبی از تیپ‌های شخصیتی پنج و هفت در مدل آناگرام است. این ترکیب، زمینه‌ساز تعارضات درونی و بیرونی در برابر محدودیت‌هاست، زیرا او روحیه‌ای مرموز، طمع‌کار، ناپایدار و پیرو هوس‌های آنی دارد، در عین حال که برون‌گرا است. ویژگی‌های محمد با مشاهدات زیر آشکار می‌شوند: او دارای روحیه‌ای مرموز در برخورد با زنان است. توجه بیش از اندازه به جزئیات زنان دیگر، بیانگر جستجوی مداوم برای ارضای حسی و هیجانی است. برای مثال:

«با کله‌ای بزرگ و طاس، رفته تو نخ زن خواننده... که آرام آرام از آب بیرون می‌آید. اول سر و گردن و بعد سینه‌ها».

(همان: ۸۵)

ویژگی دیگر او طمع‌کار بودن است:

«دوتا تراول صدی دراز می‌کند سمت محمد. -بیا... غم موی ریخته در چشم محمد جا عوض می‌کند با برق

شادی پول».

(همان: ۸۷)

زیاده‌خواهی، محمد را به شخصیتی پذیرا تبدیل کرده است؛ امیال خود را در ازای تأمین مالی سرکوب می‌کند: «محمد باقی حرفش را می‌خورد. بیچاره گیر افتاده است. جیره‌خور مادر شدن این دردسرها را هم دارد».

(همان: ۸۹)

ناپایداری شخصیت او ناشی از تلاش برای حفظ تعادل بین دو نیروی متضاد است: میل شدید به آزادی و ارضای حواس در مقابل نیاز به امنیت و وابستگی مالی به ساختار قدرت. این تضاد باعث می‌شود، سعی کند جنبه هوس‌ران و کنجکاویش را در مورد زنان کنترل کند تا از منظر عرفی مشکلی پیش نیاید. هنگامی که آرزوهای سرکوب‌شده مانند کاشت موی آزادی عمل به‌شدت تحریک می‌شوند، جنبه تهدیدآمیز در او فعال می‌گردد، که نشان‌دهنده پتانسیل انفجاری این شخصیت است:

«حتماً روزی هزار بار از خدا می‌خواهد که مادر زودتر بمیرد تا بتواند مو بکارد».(همان: ۸۷)

جنبه‌های هیجانی شخصیت او به دلیل برون‌گرایی، به آسانی قابل دریافتن است:

«شهره: همه می‌خندد جز محمد که... رفته تو نخ زن خواننده... حس می‌کنم آه از نهاد محمد بلند می‌شود»

(همان: ۳۵)

و همچنین:

«محمد از کیف می‌خندد. ردیف دندان‌های درشتش برای اولین بار می‌افتد بیرون».

(همان: ۸۶)

مشاهده‌گری تیپ پنج در او به ابزاری برای تحلیل محرک‌های بیرونی، به خصوص زنان، تبدیل شده است و همین مورد زمینه‌ساز بی‌اعتمادی همسرش نسبت به اوست: «شراره کنجکاوانه حرکات محمد را زیر نظر دارد». در جمع‌بندی، شخصیت محمد ترکیبی پیچیده از تمایلات افراطی تیپ هفت: هوس‌رانی و جستجوی لذت و رویکرد تحلیلی تیپ پنج: مشاهده‌گری و مرموز بودن است که تحت فشار وابستگی مالی و محدودیت‌های اجتماعی، به شخصیتی ناپایدار، طمع‌کار و دارای پتانسیل تهدیدآمیز درونی تبدیل شده است.

### ۳. نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی تیپ‌های شخصیتی مردان در رمان این خیابان سرعت‌گیر ندارد با رویکرد آناگرام، نشان داد که این اثر، برخلاف ظاهر روایی خود، به شدت متأثر از شبکه درهم‌تنیده ساختارهای جنسیتی و قدرت است؛ به طوری که تنوع تیپ‌های شخصیتی مردان (از نوع حمایتی/تیپ ۲ پدر شه‌ره تا نوع کنترل‌گر/تیپ ۸ دایی شه‌ره) صرفاً منجر به تنوع در سبک اعمال سلطه می‌شود، نه نفی آن. این امر دلالت بر آن دارد که ساختار مردسالار، یک «محیط کشت» (Culture Medium) فراهم می‌کند که در آن، تیپ‌های مختلف آناگرام، صرف‌نظر از انگیزه‌های درونی‌شان (نیاز به دیده شدن، کمال‌گرایی یا ترس از آسیب)، نهایتاً کارکردی همسو با حفظ نظم اجتماعی جنسیت‌زده پیدا می‌کنند. نتایج همچنین به وضوح نشان داد که سلطه مردانه در رمان تک‌چهره نیست؛ تحلیل شخصیت‌هایی چون فرهاد و حامد (تیپ ۷) افشا کرد که چگونه روشنفکری ظاهری و گفت‌وگوهای مدرن آزادی‌خواهانه می‌تواند به لایه‌ای برای پنهان‌سازی همان تمایلات کنترل‌گر و شهوت‌محور سنتی تبدیل شود، که این خود نشان‌دهنده تکامل تاکتیکی سلطه در جامعه معاصر ایران است؛ جایی که مفاهیم جدید برای توجیه سلطه قدیم به کار می‌روند. نتیجه کلیدی این پژوهش آن است که رمان، مسئله زنان را نه یک چالش فردی یا صرفاً روان‌شناختی، بلکه یک بحران ساختاری معرفی می‌کند؛ چه پدر شه‌ره که با «حمایت مشروط» دختر را به سمت هویت‌های مردانه سوق می‌دهد (تیپ ۲)، و چه پدر محبوبه که با «کنترل اخلاقی» (تیپ ۱)، استقلال او را از بین می‌برد؛ هر دو در یک فرآیند مشترک برای محدودسازی عاملیت زنانه سهیم‌اند. دلالت نهایی این است که این پژوهش، با استفاده از لنز آناگرام، نشان داد چگونه ساختارهای فرهنگی و اجتماعی می‌توانند انگیزه‌های درونی شخصیت‌ها را قطبیزه کنند تا در نهایت، تنوع روان‌شناختی به همسویی ساختاری در برابر سوژه زن منجر شود و این امر ضرورت نقد جامعه‌شناختی ادبیات را برای فهم عمیق‌تر نحوه بازتولید قدرت در متون معاصر برجسته می‌سازد.

## منابع

۱. احمدی، پریا/ پارسا، سید احمد (۱۳۷۹). (تیپ‌شناسی شخصیت‌های داستانی جلال آل احمد براساس طبقه‌بندی انیه‌گرام)، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
۲. احمدی، سارا/ نادری فر، عبدالرضا/ حسنی نقطه، سارا (۱۴۰۴)، «نشانه‌شناسی اجتماعی رمان این خیابان سرعت گیر ندارد براساس نظریه پی‌یرگرو»، پژوهش‌های ادبی و اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۰، (۳۴-۱۹).  
10.30488/sipl.2025.517809.1086
۳. اسکندری شرقی، فرشاد/ فتاحی، ستایش/ مبارک، وحید (۱۳۹۹)، «نقد فمینیستی رمان این خیابان سرعت گیر ندارد اثر مریم جهانی»، پژوهش‌نامه ادبیات داستانی، دوره ۹، شماره ۲، (۳۸-۹۱).  
10.22126/rp.2020.4761.1191
۴. افخمی، رضا/ مهدیه جعفری (۱۳۹۷)، «تیپ‌شناسی شخصیت عروه بن ورد از خلال اشعارش براساس نظریه انیاگرام»، لسان مبین، دوره ۱۰، شماره ۳۳، (۴۲-۲۱).  
10.30479/lm.2018.1545
۵. امیری، نادر (۱۳۹۸)، «من و دیگری در این خیابان سرعت گیر ندارد» جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۱۱، شماره ۱.  
10.22059/JSAL.2019.274589.665705
۶. آی لانیون، ریچارد وگ/ داستائین لئوناردی (۱۳۸۲)، ارزیابی شخصیت، مترجمان سیاهک نقشبندی و حمیدرضا حسین شاهی بروانی و....، تهران: نشر روان.
۷. پورخالص، شکرالله/ سلجوقی، زهرا (۱۳۹۴) «بررسی شخصیت‌های رمان میرامار براساس مکتب انیاگرام»، هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی.
۸. جهانی، مریم (۱۳۹۵)، این خیابان سرعت گیر ندارد، چاپ چهارم، تهران: مرکز.
۹. جی - ای - کادن (۱۳۸۰)، فرهنگ ادبیات و نقد، ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: شادگان.
۱۰. حاجیان نصر آبادی، مهدی/ ذبیح نیا عمران، آسیه (۱۴۰۰)، (بررسی انواع شخصیت در رمان‌های بلقیس سلیمانی برمبنای نظریه آناگرام). رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور استان یزد، مرکز پیام نور تفت، یزد، ایران.
۱۱. حسن‌پور، علی/ ذبیح نیا عمران، آسیه (۱۴۰۱)، (بررسی انواع شخصیت در گلستان سعدی براساس نظریه آناگرام)، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور استان یزد، مرکز پیام نور تفت، یزد، ایران.
۱۲. دانیلز، دیویدال/ پرایس، ویرجینیا (۱۳۹۳)، شخصیت‌شناسی «انیاگرام». راه شما به شادکامی چیست؟ مترجم: نیماسید محمدی. تهران: ارسباران.
۱۳. دقیقیان، پروین (۱۳۸۹)، روان‌شناسی تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه، تهران: آشیانه کتاب.
۱۴. دقیقیان، شیرین دخت (۱۳۷۱)، منشأ شخصیت در ادبیات داستانی، چاپ اول، تهران: نویسنده.
۱۵. رحیمی، فریبا/ علی‌زاده، ناصر/ مشفق، آرش (۱۳۸۸)، «تحلیل ساختار شکنی و تقابل دوگانه در رمان این خیابان سرعت گیر ندارد». زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز، دوره ۷۲، شماره ۲۴۰، (۱۳۹-۱۶۷).  
10.22034/PERLIT.2020.10285
۱۶. رسولی، میلاد/ حسین پناهی، فردین (۱۴۰۰). (تیپ‌شناسی شخصیت‌های اصلی در داستان‌های صادق چوبک بر اساس الگوی انیه‌گرام)، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
۱۷. زالی، محم (۱۳۹۵)، آشنایی با انیاگرام، ابزار شخصیت خود را کشف کنید، ترجمه ایرج صابری و فرهاد شیخ الاسلامی، تهران: پیک بهار.
۱۸. قزاق، مهدی/ ذبیح نیا عمران، آسیه (۱۴۰۱). (بررسی انواع شخصیت در کودکانه‌های شکوه قاسم نیا براساس تیپ‌شناسی نظریه آناگرام)، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور استان یزد، مرکز پیام نور تفت، یزد، ایران.

۱۹. کاراندیش، مریم (۱۳۹۴)، «شما کدام تیپ شخصیتی هستید؟»، مجله پیام زن، شماره ۲۷۸، (۵۶\_۶۰)
۲۰. محمدپور، رعنا/ عادل‌زاده، پروانه/ پاشایی فخری، کامران (۱۴۰۰)، «تطبیق تیپ‌شناسی شخصیت‌های داستانی هدایت و داستایوفسکی با تاکید بر نظریه‌بندی انیه‌گرام»، مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۷۵، (۷۹-۱۰۷). 10.30495/CLQ.2021.681906
۲۱. محمدی‌پور/ درویش، سویدا (۱۴۰۳)، «تحلیل روان‌شناختی شخصیت در داستان کوتاه «درخت گلایی» از گلی ترقی بر اساس نظریه آناگرام»، متن پژوهی ادبی، دوره ۲۸، شماره ۹۹، (۳۷۷-۴۰۵). 10.22054/LTR.2021.52400.3053
۲۲. مظفری، علی‌رضا/ شیخ‌الاسلامی مکرمی سوران (۱۴۰۲)، «تیپ‌شناسی شخصیت قهرمان داستان مدیر مدرسه جلال‌آل‌احمد بر اساس نظریه پیرسون و انیاگرام»، فصلنامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی. دوره ۶، شماره ۱۳، (۱۱۸-۹۵). 10.22034/JMZF.2023.390012.1144
۲۳. وات ایان (۱۳۷۹)، *پیدایی قصه*، ترجمه ناهید سرمد. چاپ ۱، تهران: علم.